

۱۳۷۹۵

| | |
|-------------|---|
| مجله | دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران |
| تاریخ نشر | مقالات و بررسیها |
| شماره | |
| شماره مسلسل | |
| محل نشر | تهران |
| زبان | فارسی |
| نویسنده | حسین گوستانی |
| تعداد صفحات | ۱۹ - ۳۰ |
| موضوع | سیر در بیان کتب تفسیر آیات الاحکام |
| سرفصلها | |
| کیفیت | |
| ملاحظات | |

سیری در پیدایش کتب تفسیر آیات الاحکام

حسین گوگانی

گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

مقدمه — بررسی عوالم پیدائی کتب آیات الاحکام: اگر ما محتوای قرآن کریم را رده‌بندی کنیم یکی از رده‌های جالب و مهم قرآن عبارت از قوانین و احکامی است که به اعمال مردم مربوط میشود، قوانینی که بیان کننده کیفیت عبادات و معاملات میباشد عبارت دیگر آیات قرآنی مشتمل بر یک سلسله مسائل فقهی است که مجموعاً به حدود پانصد آیه می‌رسد، این مسائل فقهی سازمان دهنده کیفیت رابطه انسان با خدا (عبادات) و رابطه مردم با یکدیگر (معاملات) است که رویهمرفته مصالح دنیوی و اخروی آنان را تأمین مینماید.

مسلمین همزمان با حیات رسول اکرم (ص) (۱) محتوای اینگونه آیات را به مدد قریحه و ذوق عربی خود درک می‌کردند و اگر احیاناً به اشکالی در فهم این آیات، مواجه می‌شدند به پیامبر اکرم (ص) مراجعه می‌نمودند (۲)

۱- ذهبی: التفسیر والمفسرون، ج ۳، ص ۹۸؛ خضری: تاریخ التشريع الاسلامی، ص ۹۴. سیوطی: الاتقان، ج ۲، ص ۱۷۶.

۲- همان مرجع؛ محمد زغلول: القرآن واثره فی تطور النقد الادبی، ص ۲۸؛ دکتر صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن ط بیروت، ص ۱۱۹. ابن خلدون، مقدمه العبر، ص ۴۳۸؛ محمد محمد اسماعیل عبده، العبادات فی الاسلام، ص ۲-۱۸.

و حکم این حوادث را توضیح میداد. قرآن کریم بود، که مردم پس از پیغمبر این رویدادها را بر آیات قرآن عرضه میداشتند و با بکار انداختن نیروی فکر و اندیشه خود، اگر حکم این حوادث را در قرآن می یافتند احساس میکردند که به هدف خود رسیده اند و در غیر این صورت به سنت (احادیث) پناه می بردند اگر در حدیث نیز راه حلی برای تعیین حکم رویدادهای جدید نمی یافتند اجتهاد میکردند و بر طبق موازین کتاب و سنت اعمال نظر می نمودند و در نتیجه به حکم و قانون مورد نظر نائل می گشتند (۳).

لیکن صحابه رسول اکرم (ص) در آغاز امر و پس از رحلت آنحضرت عهده دار این وظیفه‌ی خطیر بوده، و احکام حوادث و رویدادهای تازه را از ریشه‌های قرآنی و سنت رسول گرامی استخراج میکردند.

در بررسی آیات فقهی و استنباط احکام از آن آیات آراء و نظریات آنها همواره یکسان نبوده و متفقا به نتیجه واحدی نمیرسیدند. (۴)

ریشه این اختلاف را میتوان در دو علت جستجو کرد:

۱- با وجود اینکه اصحاب پیغمبر از آگاهیهای لازم در فهم قرآن - نسبتا برخوردار بوده اند، ولی همگی در این جهت هم سطح نبوده اند (۵).

۲- قرآن کریم، با اینکه از نظر روانی و سادگی تعبیر دارای سبک و روشی است که درخور فهم همگان می باشد، عمداً لك مطالبی را در قالب همین عبارات آورده که بسیار عمیق و قابل دقت می باشد؛ در قرآن آیتی از قبیل تشابهات و مطالبی مربوط بدآینده نگری و بالآخره يك سلسله اسرار علمی وجود دارد که همگان نمیتوانند در يك سطح از آن برداشت یکسانی داشته باشند بهمین دلیل اختلاف نظرهایی، در فهم آیات پیش می آمد، و نتیجه در يك مورد و يك مسئله، آراء و نظریه‌های گوناگونی از دیدگاه قرآن ابراز میشد ما بعنوان نمونه بیک اختلاف نظر دو صحابی در برداشت خود از قرآن اشاره می کنیم:

چنین نوشته اند که درباره عده زن حامله که شوهرش، وفات یافته دو نظر و رای متفاوت از طرف دو صحابی بنام، اظهار شده که منشاء این اختلاف از

۳- ذهبی: التفسیر والمفسرون ج ۳؛ محمد خضری: تاریخ التشریح الاسلامی ص ۹۵.

۴- ذهبی: التفسیر والمفسرون ج ۳؛ سیوطی: الاتقان ج ۲ ص ۱۷.

۵- همان مراجع و صفحات.

همانگونه که اشاره شد - اختلاف در طرز استنباط حکم و بهره گیری از آیات مربوطه بود؛ عمر نظر داد که عده زن با وضع حمل منقضی میشود؛ دلیل عمر، آیه واولات الاحمال اجلهن ان یضعن حملهن (۶) میباشد یعنی زنهای آبستن باید تا موقع وضع حمل عده نگهدارند، بنظر عمر اگر چه مدت (۷) عده وفات برای زن در قرآن، چهار ماه و ده روز است:

اربعة اشهر وعشرا (۶) جز اینکه این حکم کلی است یعنی شامل همه زنیائی میشود که شوهر آنها وفات کرده است، و شامل زنان باردار و غیر آنها میگردد.

ولی آیه پیش از آن، که انقضاء عده را عبارت از وضع حمل میداند، باصطلاح علماء اصول فقه (خاص) است.

یعنی اختصاصا حکم زنان باردار را تعیین میکند، و طبق ضوابط هرگاه حکم خاص در مقابل يك قاعده کلی و عام بیان شود باید حکم کلی و عام را تخصیص دادیم و حکم کلی را اختصاصا به مورد حکم خاص منحصر ساخت. عمر در فهم آیه مورد بحث اینگونه استنباط نمود.

ولی استنباط امیرالمؤمنین علی (ع) از این آیات بگونه دیگری است یعنی عده زن حامله‌ای (۸) را که شوهر او فوت کرده است (ابعدالاجلین) میدانند یعنی هر يك از دو مدت یعنی عده وضع حمل و عده وفات (چهار ماه و ده روز) که طولانی تر است - باید عده چنین زنی دانست که شوهرش را از دست داده است، نظریه اینکه هر کدام از دو آیه یاد شده از جهتی عام، و از جهتی دیگر، خاص است - باین معنی که (ان یضعن) از آنجهت که مربوط به زنان حامله، است آیه‌ای خاص میباشد (۹).

۶- سورة الطلاق، آیه ۴ - ۳ - بقره آیه ۲۳۴.

۷- ذهبی: التفسیر والمفسرون ج ۳، ص ۹۸، خضری، تاریخ التشریح الاسلامی ص ۱۰۵.

۸- استعمال کلمه (حامله) در مورد زن بخاطر رعایت اصطلاح متداول از زبان فارسی است زیرا میدانیم که کلمه (حامل و حائض و جز آنها) از صفات خاصه است و استعمال آنها در مورد زنان نیازی به تائید ندارد.

۹- ذهبی، التفسیر والمفسرون ج ۳، ص ۹۹، خضری، تاریخ التشریح الاسلامی ص ۱۰۵.

ولی از آن لحاظ که شامل همه زنیهای حامله میشود اعم از اینکه شوهرانشان فوت کرده باشند ویا نه، عام است و آیه دوم (اربعین و عشا) اگر چه عام است و همه زنان حامله و غیر حامله را دربر میگیرد، ولی از آن جهت که اختصاصا حکم عده وفات زنان را تعیین میکند خاص است، بنابراین قاعده عام و خاص را در این مورد نمیتوان پیاده کرد بلکه باید بداصطلاح بین این دو آیه جمع نموده، و بهر دو عمل کنیم باین معنی که جنبه خاص هر کدام از دو آیه را مخصوص عده دیگر قرار بدهیم، و چنین نتیجه گیری کنیم، که قاعده کلی در باره زنان حامله وضع حمل است مگر درباره زنان شوهر مرده و قانون عده درباره زنان شوهر مرده، چهار ماه و ده روز است مگر درباره زنان آبستن و موردی که این دو عنوان مجوعا درباره آن صدق میکند زنی است که در عین حامله بودن شوهر او فوت کرده است، و نتیجه باید (ابعد الاجلین) را یعنی طولانیترین مدت عده او بدانیم. و سرانجام با این کیفیت، ماهر دو آیه را ملاک عمل قرار دادیم.

یعنی با چنین رای و نظر، هم مدت وضع حمل منقضی گشته است و هم چهار ماه و ده روز سپری شده است، اگر چه منظور ما در این مثال و نمونه غور و بررسی و نقد فقهی نبوده ولی ناگزیر بعنوان مثال این مسئله را یاد کردیم که نمایانگر اختلاف و تفاوت طرز استنباط و امکان برداشت مختلف از قرآن میباشد.

خلاصه و فشرده آنچه در این مقدمه کوتاه یاد کردیم این است که نیاز شدید به فهم صحیح و دقیق آیات قرآنی برای درک و استنباط و استخراج احکام، و مراجعه به قرآن در مورد رویدادها و مسائل مستحدثه از طرفی، و اختلاف نظرها در بعضی از آیات - چنانکه اشاره شد - از سوی دیگر، و مرتب و مدون نبودن آیات احکام در یک جای معین، رویهمرفته عواملی بودند که بطور مؤکد ایجاب مینمود آیات مربوط به احکام و برناهمی عملی اسلام از متن قرآن استخراج و پس از رده بندی موضوعی بشکل یک مجموعه مدون تحت عناوین متداول فقهی، کتاب و یا کتابهایی بنام (آیات الاحکام - یا - احکام القرآن) بدثمر رسانند.

نخستین مدون تفسیر آیات الاحکام:

در باره نخستین کتاب آیات الاحکام - با توجه به منابع تاریخی و علمی و بررسی مدارک لازم میان دانشمندان - دو نظریه مختلف وجود دارد: به نظر عده ای از محققین نخستین کتابی که مستقلا تحت عنوان (احکام القرآن) نگارش

یافته کتابی است که محمد بن سائب (کلبی) مکتبی بد ابونصر یا ابوالنضر، در قرن دوم هجری تصنیف نموده است نظر بد اهمیت که این شخصیت بزرگ در تفسیر قرآن دارد قبلا ترجمه احوال او را بطور مشروح یاد کرده سپس به نقد تاریخی در زمینه آغازگر بودن وی در تدوین احکام القرآن می پردازیم:

محمد بن سائب کلبی:

ابوالنصر: محمد بن سائب بن بشر یا بشر بن عمرو کلبی. ابن سعد درباره نسب او مینویسد: هو محمد بن سائب الكلبی بن بشر بن عمرو بن الحارث بن عبد الحارث بن عبد العزی بن امر العقیس بن عامر بن النعمان بن عامر بن عبدون بن کنانه بن عوف بن عدده بن زید بن عبداللث بن رفید بن ثور بن کلب. ابن خلکان پس از نقل از ابن سعد درباره نسب محمد بن سائب میگوید: پس از آنکه کتاب (النسب) هشام بن کلبی را بدست آوردم نسب نیاکان کلبی را بدینصورت یاد کرده چیز اینکه (عبد الحارث) را از خلال آنها حذف کرده بود و بقیه اسامی مذکور در نسب کلبی صحیح میباشد (۱۰).

ابن الندیم، کنیه کلبی را (ابوالنضر) با ضاد یاد کرده است (۱۱) ابن خلکان و محدث قمی بنقل از ابن قتیبه دینوری مینویسند: نیای محمد بن سائب به «بشر» نامبردار بود که بشر دارای فرزندان بنام: سائب، عبید و عبدالرحمن بود که در جنگ صفین شرکت جستند، سائب و مصعب بن زبیر در این جنگ از علی (ع) حمایت کرده و شهید گشتند محمد بن سائب همراه با ابن اشعب در جنگ جمام شرکت کرده و درباره شهادت سائب همراه مصعب بن زبیر این ورقاء نخعی ضمن قصیده بلند چنین میگوید (۱۲):

فمن مبلغ عنی عیسا بانثی

علوت اخاء بالحمام التهند

۱- ابن خلکان: وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۴۳۶.

۱- ابن الندیم: الفهرست لابن ندیم، ص ۱۴۵.

۱۲- محدث قمی: الکنی واللقاب، ج ۳، ص ۱۰۱؛ ابن خلکان

و فیات الاعیان ج ۳ ص ۴۳۷؛ مدرس، ریحانه الادب، ج ۳، ص ۳۷۶.